

آقای رئیسی! همه جناح‌ها انقلابی هستند

دولت هشت ساله اعتدالگرا با روزهای پرفراز و نشیب در حالی به پایان می‌رسد که منتظر روی کار آمدن دولتی از جناح مقابل است. روزهای پرفراز و نشیبی که باری بر گردن اصلاح‌طلبان شد و امید برخی را از اصلاحات ناامید کرد.

به گزارش سایت خبری پرسون، همین مساله بود که باعث شد اصلاح‌طلبان در دو انتخابات گذشته با ریزش سرمایه اجتماعی مواجه شوند و در انتخابات ریاست جمهوری و به خصوص شوراهای به رغم تلاش‌های بسیار نتوانند موفقیتی حاصل کنند. عدم مشارکت جدی مردم در انتخابات حامی پیام مهمی بود و آن اینکه مردم از روندهای موجود در جامعه رضایت کافی ندارند و همین مساله بود که موجب ایجاد شکاف گسترده میان اصلاح‌طلبان و مردم شد. لذا به نظر می‌رسد که اصلاح‌طلبان باید برای بازیابی سرمایه اجتماعی خود به پر کردن شکاف خود با جامعه بپردازند و نهادهای مدنی و اجتماعی را تقویت کنند.

در این راستا ضمن بررسی دقیق‌تر نقش اصلاحات در شرایط کشور در هشت سال اخیر، جایگاه اصلاح‌طلبان و رئیس دولت در آینده نظام و چالش قدرت مسأله‌ای است که در نتیجه اختلافات با جناحی که به زودی به قدرت می‌رسد و گلیه‌های مردم از دولت حسن روحانی، چندان روشن نیست. برای بررسی نسبت اصلاح‌طلبان با دولت آینده، آینده روحانی و کابینه‌پیش‌رو در ادامه با حجت‌الاسلام رسول منتجب نیا دبیر کل حزب جمهوری و فعال سیاسی اصلاح‌طلب به گفت و گو پرداخته‌ایم که می‌خوانید.

با توجه با میزان نارضایتی‌های مردم در سال‌های اخیر، چه قضاوتی بر عملکرد دولت اصلاحات می‌توان داشت؟

هر دولتی قدم‌های مثبتی برداشته و برمی‌دارد و نقاط ضعف و کاستی‌هایی نیز دارد. نمی‌شود گفت که یک دولت کاملاً ناقص و منفی است و یک دولت کاملاً مثبت است و هیچ نقطه ضعفی ندارد. آقای دکتر روحانی انصافاً زمانی که دولت را تحویل گرفت مملکت خیلی بهم ریخته بود و هیچ چیز در جای خود نبود. من نمی‌خواهم تمام مشکلات را به دولت گذشته برگردانم ولی نمی‌شود انکار کرد که روحانی در دوره اول وارث ویرانی‌های مختلف در همه زمینه‌ها بود. دولت قبل از آقای روحانی انصافاً هیچ چیز را سالم نگذاشته بودند و همه چیز را مانند اقتصاد، سیاست، فرهنگ و مسائل بین‌الملل را از مسیر خود خارج کرده بودند.

حتی به باورها و اعتقادات دینی مردم و رواج خرافات به جای مفاهیم متقن دینی دست درازی کرده بودند. این مسائل به عنوان میراث به آقای روحانی منتقل شد. در نتیجه به طور طبیعی بخشی از انرژی، وقت و نیروهای مختلف دولت صرف حل آن مسائل و ساماندهی کشور شد که تا حد زیادی هم توفیق یافتند و تحول زیادی ایجاد کردند. آقای روحانی در دور اول نمره مثبت بیشتری کسب کرد و موفقیت بیشتری نسبت به دولت دوره قبل داشت. در دوره دوم انتظار تحول بیشتر می‌رفت، چراکه خرابی‌ها به حداقل رسیده بود و تجربه کاری بدست آمده بود. باید به مسائل داخلی بیشتر رسیدگی می‌شد و اشراف و احاطه بیشتری نسبت به دستگاه‌ها می‌داشتند. من باور دارم در دوره دوم آقای روحانی این توانایی را از دست داده بودند و زیرمجموعه‌ها و وزارتخانه‌ها احساس می‌کردند که کسی نیست که نسبت به آن‌ها اشراف داشته باشد و پاسخگو باشد.

شاید بخشی از آن‌ها معلول کرونا بود. دولت آقای روحانی مواجه بود با تحریم‌های فوق‌العاده زیاد و مسأله کرونا که بخش زیادی از وقت و اعتبارات دولت را به خود اختصاص می‌داد. اما همه مسائل این نبود و من احساس می‌کردم که نوعی ناهماهنگی و عدم انسجام بین اجزای دولت به وجود آمد. بعضی از وزرا انصافاً خوب کار می‌کردند. وزیر امور خارجه از جمله وزیران موفق و پاکدامن بوده و هست. وزیر نیرو جزو وزیران موفق بوده که همیشه وظایف خود را به نحو احسن به انجام رسانده. تاحدی وزیر راه و مسکن و برخی دیگر از وزرا هم چنین بودند، اما برخی وزرا کارهای خود را به خوبی انجام نمی‌دادند و توپ را به میدان وزیر و وزارتخانه دیگر می‌انداختند و دیگری را مقصر می‌دانستند.

اینها نشان می‌داد آقای روحانی فرصت منسجم کردن این امور و طلب پاسخ و حل مسأله را پیدا نمی‌کند و این انتقادی است که من نسبت به ایشان دارم. به خصوص در مسائل اقتصادی می‌شد معیشت مردم را خیلی بهتر مدیریت کرد و جلوی ناهماهنگی‌ها و نابسامانی‌ها را تا حد زیادی گرفت. قضاوت نسبت به دولت ایشان چنین است اما تاکید می‌کنم که کارهای مثبت و بزرگ دولت آقای روحانی کارهایی غیرقابل انکار است و انصافاً اقتضا می‌کند که ما در کنار نقاط ضعف، خدمات ایشان و وزرا و معاونین ایشان را بدانیم و بشناسیم که غیرمنصفانه قضاوت نکنیم. کمالینکه قضاوت مثبت آنطور هم درست نیست.

نه همه چیز را سفید ببینیم و نه همه چیز را سیاه. لذا مایلیم حرفم به نوعی به گوش ایشان و دولتشان برسد که بهتر است در این روزهای آخر عمر دولت بیشتر از گذشته گزارش به مردم ارائه کنند. حتی مجموعه‌ای تهیه کنند که خدمات و تلاش‌هایی که این دولت در دوره اول و دوم انجام داده است را مکتوب کنند و در اختیار رسانه‌ها و مردم بگذارند تا جلوی برخی از بی‌انصافی‌ها و حق‌کشی‌ها گرفته شود. خوب است که خودشان هم نسبت به نقاط ضعف اقرار بکنند و آن‌ها را کتمان نکنند تا دولت جدید از آن‌ها تجربه بیاموزد و راه‌های اشتباهی که اگر احیاناً دولت آقای روحانی رفته است را دنبال نکند.

چه پیش‌بینی در خصوص بهبود رضایت و زندگی مردم در دولت جدید می‌توان داشت؟

ما امیدواریم دولت آقای رئیسی بتواند نقاط قوت دولت‌های گذشته را شناسایی، ادامه و تکمیل کند و نقاط ضعف را بدون برخوردهای جناحی و سیاسی، خیلی علمی و کارشناسانه برطرف کند تا مردم احساس کنند که مشکلات در حال حل شدن هستند. چون دولت دستش باز است و پشت‌اش محکم است، هیچ مانعی، هیچ اراده و مزاحمی وجود ندارد و همه سه قوه که از یک جناح هستند دست به دست می‌دهند و نهادهای انقلاب هم که همراه هستند، طبیعی است که همه با هم می‌توانند مشکلات را رفع کنند. اگر خدای ناخواسته در این دولت مشکلات مردم رفع نشود معلوم می‌شود که این مشکلات رفع شدنی نیستند. برای اینکه امید مردم بیشتر شود و احساس یاس و ناامیدی نکنند، با اولویت‌هایی که در نظر هست این دولت می‌تواند مشکلات را حل کند.

تک جناحی یا فراجناحی بودن دولت جدید در مسیر پیشبرد اهداف چه تاثیری خواهد داشت؟

دولت جدید در صورتی می‌تواند این مشکلات را حل کند که طبق شعارهایی که آقای رئیسی داده است فراجناحی عمل کند و از همه نیروها استفاده کند و خدای ناخواسته شمشیر را برندارند و نیروهایی که اصلاح‌طلب بوده‌اند و با دولت روحانی کار کردند را حذف کنند و اگر این کار را کردند بدانید که نشانه شکست و ناکامی است. حل مشکلات ممکن می‌شود، اگر بتوانند فراجناحی عمل کنند و واقعا شایسته‌سالاری را ملاک قرار دهند و شعارهایی هم ندهند که قابل تفسیرهای مختلف است.

مثل اینکه می‌گویند ما انقلابی بودن را قبول داریم. به جز یک عده بسیار اندک همه انقلاب را قبول دارند. همه اینها که در دولت‌ها بوده و هستند انقلاب، قانون اساسی و امام و رهبر را قبول دارند. شعارهای مبهم و به قول برخی کش دار و قابل تفاسیر مختلف ندهند و به طور نسبی از آنهایی استفاده کنند که از نظر علمی، کارشناسی و توانمندی نمره بالایی دارند و تجربه و تحصیلات کافی دارند و البته سابقه آنها نیز از نظر پاکدستی و تقوا مورد تایید است.

خدای ناخواسته اینطور نشود که یک خیل عظیمی از نیروهای اجرایی و کارآمد را بیرون بریزند و از قطار انقلاب پیاده کنند، با این حرف که می‌خواهیم نیروهای انقلابی را همراه کنیم. انقلابی بودن چیزی نیست که من و شما و دیگری آن را ارزیابی کنیم. انقلاب رهبر داشته و دارد و معمار آن حضرت امام و اسوه و الگو هم رفتار ایشان بوده. حالا هم رهبری نظرشان نسبت به تمام جناح‌ها یکسان است و همه را در درون انقلاب می‌دانند، بنابراین نباید مسئولان از پیشرویان خود جلو بزنند و خودشان را ملاک و معیار قرار دهند و هر کسی را که نخواستند بگویند انقلابی نبوده. برخی از افراد تندرو، ضعیف و فرومایه حرف‌هایی این چند روز زدند

که خیلی جای تاسف دارد. گفتند ما انقلاب را از دست ناهلان و ضد انقلاب‌ها نجات دادیم. یعنی همه آنهایی که این کشور را و این نظام را تا به حال در این ۴۰ سال انقلاب اداره کردند ناهل و ضدانقلاب بودند و حالا که جمع دیگری آمده‌اند و سه قوه را به دست گرفته‌اند انقلابی هستند. این حرف‌ها زشت و نامربوط است و نشان می‌دهد که آنها برنامه‌هایی برای نظام، به حاشیه راندن نیروها و به وجود آوردن نوعی انحصارطلبی در کشور دارند و اگر چنین بشود قطعا توفیق لازم را پیدا نخواهند کرد.

عاقبت اصلاحات و روحانی پس از این سال‌ها و مسائل گذشته و پیش رو چه خواهد بود؟

روحانی شخصیتی است که در قالب اصلاح‌طلبی نمی‌گنجید و نمی‌گنجد. ایشان همیشه در حکومت بوده، خدماتی کرده است، در پست‌های حساس و ۸ سال هم رئیس قوه مجریه بوده و الان روزهای آخر را می‌گذرانند. بالاخره باید از ایشان قدردانی بشود. قطعا مقامات عالی نظام حرمت ایشان و سوابق ایشان را در نظر دارند و نمی‌گذارند که از وجود ایشان، ظرفیت‌ها و تجربیاتشان استفاده نشود. ایشان انسان بسیار مجرب و ارزشمندی هستند و می‌توانند در بخش‌های مختلف برای نظام و کشور مفید باشند.

وی در خصوص وضعیت اصلاحات در آینده ادامه داد: معتقدم اصلاح‌طلبان فرصت بسیار خوبی برایشان به وجود آمده که از این فرصت به خوبی باید استفاده کنند. امروز اصلاح‌طلبان دیگر در جایگاه پاسخگویی نیستند و در جایگاه پرسشگری قرار می‌گیرند و باید از این فرصت استفاده کنند. ضمن اینکه نظارت می‌کنند بر دستگاه‌ها، انتقاد می‌کنند، حرف می‌زنند، پیشنهاد می‌دهند، باید به بازسازی و آسیب‌شناسی خود و کارهایشان بپردازند تا در آینده بتوانند با وضعیت بهتر وارد صحنه شوند. به هر حال کشور و دنیا در حال تحول است و دائما تغییر ایجاد می‌شود. جمعی می‌آیند و جمعی می‌روند. کسانی که در این چهل و چند سال در درون و حتی آنها که از بیرون نظاره گر بودند، شاهدند که مسئولیت یک جریان دائمی نبوده. افرادی برای مدتی مسئولیت به عهده گرفتند، سپس به هر دلایلی کنار رفتند و رقیبشان آمده.

این تغییر و تحول به طور طبیعی به وجود می‌آید همچنین حالا که عواملی غیرطبیعی مثل انحصارطلبی‌ها در مدیریت تغییر و تحول ایجاد می‌کند. ولی نه آنهایی که حالا مدیریت کشور را برعهده دارند می‌توانند فکر کنند که ابدی هستند و همیشه در به این پاشنه خواهد ماند و نه آنهایی که کنار زده شدند باید فکر کنند که دیگر کار تمام است. بالاخره مدتی زحمت کشیدند و الان استراحت و رفع خستگی می‌کنند. نیروهای تازه نفس می‌آیند، کار انجام می‌دهند و آنهایی که کنار زده شدند ضمن استراحت باید به بازسازی خود بپردازند و آسیب‌شناسی هم بکنند که اگر اشتباهی را قبلا داشتند در آینده تکرار نکنند ضمن اینکه باید همه دست به دست هم دهند و به دولت و قوا کمک کنند چون این نظام متعلق به همه است و متعلق به یک فرد یا یک جناح نیست که بگوییم چون جناحی حاکم شده است دیگر ما بی‌تفاوت باشیم.

این نظام و این کشور متعلق به تک تک افراد این ملت است و همه باید احساس وظیفه کنند به خصوص صاحب‌نظران، فرهیختگان، نیروهای اجرایی و نیروهای مجرب که سابقه زیادی دارند باید تلاش کنند و پیشنهاد بدهند و انتقاد کنند و برنامه داشته باشند. امیدواریم دولت جدید که سابقه کار اجرایی ندارد، وزاری که انتخاب می‌کند مجرب و پر انرژی باشند. در عین حال که نیروهای جدیدی هستند، باید به آنها کمک شود تا بتوانند کشور را اداره کنند. همه سوار یک کشتی هستیم و این کشتی باید به سلامت به ساحل برسد و خدای ناخواسته اگر خدشای به این کشتی وارد شود همه غرق می‌شوند و یک جناح خاص آسیب نمی‌بیند.

